



## Validation of Imam al-Zaman (a.s.) to Sheikh Mufid in the Book of Protest

Kazem Ostadi<sup>1</sup>

### Abstract

From the distant past until now, books have been written about the signatures of Imam al-Zaman (a.s.). In the hadith sources of Shia Imamia, there are about a hundred taqee's of Imam Zaman (a.s.); Most of them are mentioned in the books of Kamal al-Din Sadouq and al-Ghaibah Sheikh Tusi. In the meantime, apart from the report of the story of Imam Zaman (a.s.) about the jurisprudential fatwa of Sheikh Mofid "the text of which is not available and it is a later narration and subject", only two of the stories attributed to Sheikh Mofid, for the age of great absence of the report has been Of course, some thinkers have doubted their attribution and validity. Due to the fact that so far, no independent research has been done regarding the validity of Sheikh Mufid's assertions "found in the book of protests"; Now it is necessary to research that: 1- What are the narrative documents and copies of these allegations? 2- What history do their texts have in Shiite sources? 3- What is the validity of Sheikh Mofid's assertions in the protest? 4- Are these convictions acceptable in terms of attribution to Sheikh Mofid? In the present research, while examining the documents and analyzing the data, it was found that due to several reasons, these revelations of the era of the great disappearance of Imam Zaman (a.s.) are not useful for the sheikh; And attributing the facts to them is incorrect and invalid.

### Keywords

Tafsir Askari, Sheikh Mufid, Protest, Toqiyat, Imam Zaman (a.s.).

### Article Type: Research

1. Islamic Studies Researcher. Email: kazemostadi@gmail.com

Received on: 10/03/2022

Accepted on: 13/09/2022

Copyright © 2023, Ostadi





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵  
شماره الکترونیکی: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

# مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2023.16949.2106

## اعتبارسنجی توقیعات امام زمان (ع) بہ شیخ مفید در کتاب الاحتجاج کاظم استادی<sup>۱</sup>

### چکیده

از گذشتہی دور تا کنون، کتاب‌هایی دربارہ توقیعات امام زمان (ع) نوشتہ شدہ است. در منابع حدیثی شیعہ امامیہ، حدود صد توقیع از امام زمان (ع) موجود است کہ بیشتر آن‌ہا در کتاب‌ہای «کمال الدین» صدوق و «الغیہ» طوسی نقل شدہ‌اند. در این میان، جدای از گزارش داستان توقیع امام زمان (ع) پیرامون فتوای فقہی شیخ مفید (کہ متنی از آن در دسترس نیست و ہم روایتی متأخر و موضوع است)، فقط دو توقیع منسوب بہ شیخ مفید، برای عصر غیبت کبری گزارش شدہ است؛ کہ البتہ برخی از اندیشمندان، در انتساب و اعتبار آن‌ہا، تشکیک نمودہ‌اند. با توجہ بہ این کہ تا کنون پژوهش مستقلی پیرامون اعتبار این توقیعات شیخ مفید (موجود در کتاب الاحتجاج) صورت نگرفتہ است؛ اکنون لازم است بررسی گردد کہ: ۱- اسناد روایی و نسخہ‌ای این توقیعات چگونه ہستند؟ ۲- متن آن‌ہا در منابع شیعہ، چہ سابقہ‌ای دارند؟ ۳- اعتبار توقیعات شیخ مفید در الاحتجاج، در چہ حدی ہستند؟ ۴- آیا این توقیعات از نظر انتساب بہ شیخ مفید، قابل قبول ہستند؟ در پژوهش حاضر، ضمن بررسی اسناد و تحلیل دادہ‌ہا، مشخص شد کہ بہ دلایل متعددی، این توقیعات عصر غیبت کبری، از امام زمان (ع) و برای شیخ مفید نیستند و انتساب توقیعات بہ ایشان نادرست و بی اعتبار است.

### کلیدواژہ‌ها

تفسیر عسکری، شیخ مفید، الاحتجاج، توقیعات، امام زمان (ع).

### نوع مقاله: پژوهشی

۱. پژوهشگر مطالعات اسلامی. kazemostadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (رہ)

## ۱. طرح مسأله

توقیع، به معنای نامه را نشان کردن و نوشتن عبارتی در ذیل نامه و نیز، به پاسخ‌های نوشته شده بزرگان و امرا، در درخواست‌های نوشتاری ایشان گفته می‌شود. واژه توقیع ظاهراً نخستین بار در روایتی از امام کاظم (ع) دیده شده و در زمان امام رضا (ع) برای یادداشت‌هایی که در یک نوشته اصلی نگاشته می‌شده، به کار می‌رفته است؛ ولی پس از آن، کاربرد اصطلاحی توقیع، گسترش یافته و حتی به یادداشت‌های مستقل امام زمان (ع) که مسبوق به پرسش نبوده‌اند نیز گفته شده است (شبییری زنجانی، ۱۳۸۳ ش، سراسر متن). البته امروزه، به سبب کاربرد بیشتر توقیعات برای مسأله مهدویت و غیبت، واژه توقیع، ابتدائاً منصرف در توقیعات حضرت مهدی (ع) است.

بررسی مضامین توقیعات منسوب به امام عصر (ع)، تنوع موضوعات مختلف را نشان می‌دهد که بیش‌تر آن‌ها عبارتند از: «نصب و کیلان و بیان شخصیت و توصیه‌هایی به ایشان؛ پاسخ به سؤالات فقهی، کلامی، تفسیری، حدیثی، تاریخی و ارائه مواعظ اخلاقی؛ اعلام رسیدن وجوه شرعی و اموال تحویل شده به وکیلان و طلب وجوه شرعی؛ معرفی امام (ع) به شیعیان و پاسخ به بعضی از انتقادات بر ایشان؛ اعلام وفات یا تاریخ وفات افراد و نیز، پیام تعزیت در رحلت نمایندگان امام؛ اعلام خیانت خائنان، غلو غالیان، انحراف منحرفان و رد و نفی بر آنان؛ حسابرسی و انتقاد از عملکرد برخی افراد و نهی از امور غیر شرعی؛ همچنین، پاسخ به طلب دعا از سوی شیعیان و اعلام عفو و قبول عذر برخی از شیعیان؛ پاسخ به درخواست‌های مختلف جزئی، همچون درخواست وجه یا کفن یا دست‌خط یا تقسیط وجوه شرعی و یا انجام حج، سفر، فرزنددار شدن، خرید و فروش؛ و نیز، دفاع از مظلوم و بشارت به رفع ظلم از شیعیان و نیز اخبار و پیش‌گویی از امور مخفی و حوادث جزئی یا کلی آینده» می‌باشند (نک: جباری، ۱۳۸۱ ش، ۱۴۰ به بعد).

با توجه به تنوع موضوعات و کارکردهای فقهی، اعتقادی این توقیعات امام زمان (ع) و از همه مهم‌تر، استناد عالمان دینی به آن‌ها، این نوشته‌ها و توقیعات از اهمیت ویژه‌ای در تاریخ تشیع، مخصوصاً امامیه داشته و دارد.

از گذشته تاکنون، کتاب‌هایی درباره توقیعات امام زمان (ع) نوشته شده است؛ همانند کتاب «قرب الإسناد الی صاحب الامر» از عبدالله بن جعفر حمیری قمی (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ۲۱۹-۲۲۰) و نیز کتاب «المصابیح» اثر شیخ صدوق، که بخشی از کتاب به توقیعات امام زمان (ع) اختصاص داشته است (همان، ۳۹۰-۳۹۱).

در منابع حدیثی شیعه امامیه، حدود صد توقیع از امام زمان (ع) موجود است؛ که بیشتر آن‌ها در کتاب‌های کمال‌الدین صدوق و الغیبه طوسی نقل شده‌اند. در باب توقیعات کمال‌الدین، حدود ۴۹ توقیع و در الغیبه نیز حدود ۴۳ توقیع وجود دارد؛ که البته، دوازده توقیع آن تکراری و از کمال‌الدین هستند (برای اطلاع بیشتر نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳ش، ۴: ۱۱۷).

در سال‌های اخیر نیز، کتاب‌ها و مقالاتی پیرامون توقیعات امام عصر (ع) منتشر شده است مانند: «موسوعة توقیعات الامام المهدي» (اکبرنژاد، ۱۴۲۷ق)، «مجموعه‌ای از روایات و توقیعات حضرت مهدی» (گروه فرهنگی موعود، ۱۳۸۸ش)، «ماهیت‌شناسی توقیعات حضرت مهدی (ع)» (صالحی، ۱۳۸۹ش)، «چالش‌های حجیت صدور روایات و توقیعات ولی عصر (ع) در دوره غیبت کبری» (توکلی‌زاده، ۱۳۹۹ش).

تاکنون پژوهش مستقلی پیرامون توقیعات از ناحیه مقدسه به شیخ مفید انجام نشده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر اولین نوشته مستقل و متمرکز است که به ابعاد مختلف اعتبارسنجی این توقیعات پرداخته است.

توقیعات متعدد منسوب به امام عصر (ع) را می‌توان از جهات مختلفی، همانند: موضوع، مخاطب، کارکرد و نیز تاریخ صدور، دسته‌بندی نمود. بنابراین، با توجه به تبیین دو دوره غیبت صغری و غیبت کبری برای حضرت مهدی (ع)، توقیعات منسوب به ایشان را نیز، می‌توان در این دو دوره، دسته‌بندی و مورد بررسی قرار داد.

اکنون در منابع و اسناد شیعه، توقیعات متعددی منسوب به امام زمان (ع) در عصر غیبت صغری وجود دارد (به عنوان نمونه نک: طوسی، ۱۴۲۵ق، ۲۷۳-۲۸۰، ۲۹۰، ۴۱۵؛ صدوق، ۱۳۶۳ش، ۲: ۵۰۵-۵۰۶). برخی از توقیعات، تاریخ‌دار هستند و توقیعات بسیاری نیز وجود دارند که تاریخ آن‌ها روشن نیست؛ ولی با توجه به قرآنی می‌توان دریافت که در دوره غیبت صغری صادر شده‌اند (به عنوان نمونه نک: طوسی، ۱۴۲۵ق، ۳۵۵؛ صدوق، ۱۳۶۳ش، ۲: ۴۷۸).

در این میان، جدای از گزارش داستان توقیع امام زمان (ع) پیرامون فتوای فقهی شیخ مفید (نک: تنکابنی، ۱۳۸۰ش، ۳۸۴) که هم متنی از آن در دسترس نیست و هم روایتی متأخر، موضوع و جعلی است (نک: کریمیان، ۱۳۹۳ش، سراسر متن) تنها دو (یا به تعبیری، چهار) توقیع منسوب به شیخ مفید، به تاریخ ۴۱۰ و ۴۱۲ قمری، و در عصر غیبت کبری گزارش شده است (نک: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۴۹۵-۴۹۹)؛ که البته برخی از اندیشمندان، در انتساب و اعتبار آن‌ها، تشکیک نموده‌اند (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۸: ۲۲۰).

با توجه به این که تاکنون پژوهش مستقلی پیرامون اعتبار توقیعات شیخ مفید در کتاب الاحتجاج صورت نگرفته است؛ اکنون لازم است پژوهش شود که: اسناد روایی و نسخه ای این توقیعات چگونه هستند؟ و متن آن‌ها در منابع شیعی، چه سابقه ای دارند؟ اعتبار توقیعات شیخ مفید در احتجاج، در چه حدی هستند؟ آیا این توقیعات از نظر انتساب به شیخ مفید، قابل قبول می‌باشند؟ پژوهش حاضر، با ذکر مقدماتی، به بررسی و اعتبارسنجی اختصاصی توقیعات شیخ مفید می‌پردازد.

## ۲. کتاب احتجاج

کتاب «الإحتجاجُ عَلَى أَهْلِ اللّجَاجِ» مشهور به الاحتجاج، کتابی در بیان احتجاجات چهارده معصوم (ع) و برخی از پیروان آن‌ها با مخالفان می‌باشد (طبرسی، ۱۳۸۶ق، مقدمه). غالب روایات و احادیث کتاب، روایات بسیار بلند و ظاهراً ترکیبی هستند که در قالب گفتگوها و مناظره‌هایی در موضوعات گوناگون، به انگیزه اثبات مرجعیت علمی و نقل فضایل و مناقب اهل بیت (ع)، تألیف شده‌اند.

نسخه خطی کهن کتاب الاحتجاج، در دو جزء یا بخش تنظیم شده است؛ جزء اول آن، مشتمل بر بیست و سه احتجاج و نه عنوان و مطلب مختلف دیگر، از قبیل «فصل فی ذکر طرف...»، «ذکر طرف...» و «جواب مسائل...» است؛ و جزء دوم آن، شامل بیست و شش احتجاج و دو عنوان «خطبه...» و «ذکر طرف...» می‌باشد (نک: سایت کتابخانه وزیری یزد). بخش قابل ملاحظه ای از کتاب الاحتجاج، وامدار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است؛ یعنی از اول کتاب تا خطبه غدیر (حدود ۱۳۰ صفحه) و برخی روایات دیگر میان متن کتاب. به عبارت دیگر، بیش از ۴۰ روایت از ۳۶۳ روایت کتاب احتجاج، از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است؛ که طبق تحقیقات جدید، مؤلف این تفسیر در واقع، حسن بن علی عسکری اطروش، ملقب به ناصر کبیر است (استادی، ۱۴۰۰ش الف)، رک: سراسر متن).

بسیار مهم است توجه داشته باشیم که کتاب احتجاج، روایات فراوانی را در خود دارد که متفرد و یگانه‌اند و در آثار دیگر یافت نمی‌شوند و به عبارت روشن، بخشی از محتوای کتاب، در منابع پیشین وجود ندارد و از سوی دیگر، مستند نبودن روایات کتاب، به نوعی باعث امکان ناپذیری دست‌یابی به منشأ این مطالب شده‌اند. به همین دلیل و دلایل دیگری، در میان برخی دانشمندان شیعه، مخصوصاً علمای متأخر و جدید، دو عنوان کتاب الاحتجاج و تفسیر عسکری، از جهات گوناگونی مورد مناقشه و گفتگو

هستند (به عنوان نمونه برای کتاب الاحتجاج نک: بحرالعلوم، ۱۴۲۹ق، ۳۲۷؛ شوشتری، ۱۳۷۷ش، ۳۳۲؛ صادقی، ۱۳۹۵ش، سراسر متن؛ نیز برای تفسیر نک: استادی، ۱۳۶۴ش، سراسر متن).

### ۳. توقیعات شیخ مفید در احتجاج

جانمایی، گزارش و ساختار توقیعات شیخ مفید عبارتند از:

#### ۳-۱. گزارش توقیعات شیخ مفید

مطالب و روایات کتاب احتجاج، اکثراً ترتیب تاریخی دارند و غالباً مرتب در کنار هم چیده و تألیف شده‌اند؛ به این معنی که روایات و احتجاجات، از پیامبر (ص) آغاز و به امام زمان (ع) ختم گشته‌اند و این رویه ترتیبی، تقریباً در ذکر هر کدام از توقیعات نیز رعایت شده است.

بنابراین، در اواخر کتاب الاحتجاج، یعنی پس از فصل «احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي»، حدود بیست عدد توقیعات امام زمان (ع) درج شده‌اند (نک: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۴۶۱) که در نسخه‌های کنونی کتاب الاحتجاج و در پایان این مجموعه توقیعات، دو (و به نوعی چهار) توقیع منسوب به امام عصر (ع) و شیخ مفید، با این تیتراژ «ذکر کتاب ورد من الناجية المقدسة حرسها الله و...» آغاز گشته است (نک: طبرسی، ۷۳۶ق، ۵۱۳).

#### ۳-۲. ساختار شکلی توقیعات شیخ مفید در کتاب الاحتجاج موجود

در کتب چاپی احتجاج، غالباً تیتراژ و اصل و فرع توقیعات را پشت سر هم و با یک قلم و تفکیک نشده، درج نموده‌اند (به عنوان نمونه نک: طبرسی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۵۹۶) که تأمل در این توقیعات را مبهم می‌نماید، اما در این جا برای توجه و تأمل بهتر، این حالات، تفکیک و متمایز و مطابق با نسخه خطی کهن، ذکر می‌گردند (نک: خطی: طبرسی، ۷۳۶ق، ۵۱۳-۵۱۶؛ چاپی: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۴۹۵-۴۹۹).

##### ۱- توقیع اول منسوب به شیخ مفید

اولین توقیع، حدود دو صفحه است؛ و شامل موارد زیر می‌باشد: الف- تیتراژ توقیع. ب- توضیح قبل از شروع نامه. ج- شروع توقیع و سلام. د- خطبه حمد. ه- شروع مطلب نامه. و- پایان توقیع.

##### ۲- شبه توقیع دوم (پانوش اول؛ یعنی تأییده توقیع اصلی اول)

حدود نیم صفحه و شامل موارد زیر است: الف - تیترا توفیق. ب - توفیق. ج - پایان توفیق.

۳- توفیق سوم (یا به عبارتی، توفیق اصلی دوم)

شامل موارد زیر است: الف - تیترا توفیق. ب - توضیح قبل از شروع نامه. ج - شروع توفیق و سلام. د - خطبه حمد. هـ - شروع مطلب نامه. و - پایان توفیق.

۴- شبه توفیق چهارم (پانوش دوم؛ تأییده توفیق اصلی دوم)

حدود نیم صفحه و شامل موارد زیر است: الف - تیترا توفیق. ب - توفیق. ج - پایان توفیق.

### ۳-۳. ابهامات ساختار شکلی توفیعات و تعداد این توفیعات

از لحاظ شکلی، توفیعات را دو صورت می‌توان در نظر گرفت: حالت اول این‌که فرض کنیم که متن نامه توسط یک شخص نگارش شده، سپس امضاء و تأییده نامه، که توسط شخص دیگری نوشته شده است. حالت دوم این‌که، هر کدام از متن اصلی نامه و متن تأییده آن را، یک توفیق در نظر بگیریم. در حالت اول، دو توفیق و دو تأییده، پیش روی ماست؛ و در حالت دوم، چهار توفیق در اختیار داریم.

اگر حالت اول را درست فرض کنیم، این مشکل وجود دارد که چرا تاریخ متن نامه دوم، یعنی ۲۳ ذی‌حجه ۴۱۲ق و تاریخ تأییده آن نامه، یعنی اول شوال ۴۱۲ق، یکسان نیستند و دارای دو تاریخ با حدود سه ماه فاصله هستند؟ و اگر حالت دوم را درست فرض کنیم، این مشکل وجود دارد که چرا در توفیق دوم و چهارم، متن خاصی در نامه رد و بدل نشده است؟

برای حل مشکل ناهم‌خوانی تاریخ‌ها، حداقل چند احتمال قابل‌تصور است:

۱- تاریخ‌های موجود در الاحتجاج یا منبع آن، نو‌نویس و حاصل فهم و اضافات نسخه‌برداران هستند؛ یعنی اساساً، ارتباطی با توفیعات منسوب به شیخ مفید ندارند. یا مثلاً، تاریخ‌ها مربوط به کتابت و نسخه‌برداری دوره‌های بعدی توفیعات هستند؛ یعنی در این تاریخ‌های مورد نظر، از توفیعات استنساخ رخ داده است (در این باره به زودی سخن خواهیم گفت). بنابراین، در احتمال یک، در واقع ما با دو متن نامه و دو متن تأییده نامه‌ها، روبرو هستیم.

۲- یک تأییده متن نامه و نیز یک متن اصلی نامه، از میان این توفیعات مفقود شده است. به این معنی که ترتیب توفیعات و تأییدها این‌گونه بوده است: ۱. توفیق اول «أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمُخْصُوصُ بَعْلَاوَهُ امْتِئَاءُ تَوْفِيقٍ «هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْأَخُّ الْوَلِيُّ وَالْمُخْلِصُ...»». ۲. توفیق دوم، مفقود و در کتاب الاحتجاج نیامده است اما امضاء

آن در کتاب آمده است؛ یعنی «هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْوَلِيُّ الْمُلَهَّمُ لِلْحَقِّ...». ۳. توقیع سوم، «إِلَى النَّاصِرِ لِلْحَقِّ الدَّاعِي...» است که امضاء و تأییدیه نامه مفقود است و در کتاب الاحتجاج نیامده است.

۳- حالت سوم که بهترین حالت است این است که: صرف نظر از سال تاریخ‌ها که تحریف شده و مربوط به توقیعات نیستند؛ تاریخ ماه «صفر، ذی حجه و شوال» توقیعات، با کمی توضیح، می‌تواند متعلق به توقیعات باشند.

یعنی، یک «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» از میان توقیع اصلی دوم (یا به عبارتی توقیع سوم) احتجاج، مفقود و حذف شده است؛ به این صورت که ترتیب توقیعات و تأییدها متفاوت از قبل، و این‌گونه هستند:

یک - توقیع الف (در ماه صفر)؛ که از ناحیه یک شخصیت مهم حکومتی به شخص زیر دست خود است:

شروع نامه: «سَلَامٌ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمَخْصُوصُ...».  
بعلاوه امضاء و تأییه توقیع که پس از متن نوشته اول آمده: «هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْأَخُ الْوَلِيُّ وَالْمُخْلِصُ فِي وُدِّنَا...».

دو- توقیع ب (در ماه شوال)؛ بدون بسم الله (بسم الله مفقود شده)، که از ناحیه یک شخصیت مهم حکومتی به شخص زیر دست خود است:

شروع نامه: [بِسْمِ اللّٰهِ وَ سَلَامٍ، مفقود است] «وَنَحْنُ نَعْهَدُ إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ الْمُجَاهِدُ فِينَا الظَّالِمِينَ...».

بعلاوه امضاء و تأییه توقیع، که در انتهای متن بالا آمده: «هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْوَلِيُّ الْمُلَهَّمُ لِلْحَقِّ...».

سه- توقیع ج (در ماه ذی حجه)، که از ناحیه یک شخص زیر دست، به شخصیت بالادست حکومتی نوشته شده است:

شروع نامه: «إِلَى النَّاصِرِ لِلْحَقِّ الدَّاعِي...» است.  
پایان نامه: «... مَا اجْتَنَبُوا الْمُنْهَبِيَّ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ». این نامه، تأییدیه ندارد یا به علت این‌که نامه از شخص پایین به بالاست و یا این‌که تأییدیه داشته و مفقود شده است.

#### ۴. سند و سابقه توقیعات شیخ مفید

قبل از پرداختن به سند اختصاصی توقیعات شیخ مفید، لازم است اطلاعاتی از سابقه خود کتاب الاحتجاج به عنوان پیش‌زمینه آن، بیان کنیم:



#### ۱-۴. سابقه کتاب و مؤلف منسوب به آن در منابع

درباره سابقه کتاب الاحتجاج، حداقل با دو رویکرد می‌توان دقت و تأملاتی نمود:

##### ۱-۴-۱. شناسائی کتاب الاحتجاج و طبرسی در منابع رجالی و فهرستی

در منابع متقدم اولیه رجالی (تا قرن ۵)، از کتاب موسوم به احتجاج، گزارش روشنی وجود ندارد. در منابع متقدم ثانویه رجالی (تا قرن ۸)، که طبق قرائن و قاعدتاً هم‌دوره بودن زمان احتمالی تألیف کتاب احتجاج، لازم می‌نماید مطلب قابل توجهی وجود داشته باشد ولی، فقط ذکری در معالم‌العلماء ابن شهر آشوب از نام کتاب «الاحتجاج» به عنوان تألیف احمد بن علی طبرسی، استاد ابن شهر آشوب آمده که به علت عدم ذکر اطلاعات بیشتر، مشخص نیست که کتاب کنونی موسوم به الاحتجاج، همان کتاب ذکر شده در معالم است، یا کتاب هم‌نام دیگری است. به عبارت دیگر، معلوم نیست که نام کتاب الاحتجاج در این یادکرد از استاد خویش، همین کتاب موسوم به الاحتجاج کنونی و در دسترس ما باشد. همچنین، سیدابن طاووس (م ۶۶۴ق) کتاب الاحتجاج را در کتاب کشف‌المحجّه، به فرزندش شناسانده و نوشته است «کتاب الاحتجاج لابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی» (نک: ابن طاووس، ۱۳۷۰ق، ۳۵). این یادکرد نیز، گویای این‌همانی کتاب کنونی در دسترس ما با کتاب مورد نظر ایشان نیست بنابراین، به نظر می‌رسد که اگر کتاب موسوم به الاحتجاج کنونی، نزد عالمان این دوره‌ها یعنی قرن شش تا هشت قمری بود، توصیفی از مؤلف و کتاب و محتوای آن می‌نمودند.

همچنین در منابع رجالی و تراجمی متقدم و متأخر شیعه، هیچ اطلاعی بیش از آن یک خط مطلب از ابومنصور طبرسی که در معالم ابن شهر آشوب آمده، چیزی وجود ندارد. نتیجه این‌که «احمد بن علی طبرسی»، نزد علمای رجالی و تراجمی، مجهول است و اطلاعاتی از او در منابع رجال و تراجم شیعه وجود ندارد و از سوی دیگر، اساساً انتساب کتاب الاحتجاج کنونی و در دسترس، به ابومنصور طبرسی استاد ابن شهر آشوب، روشن و مستدل نیست و همچنین، کتاب موسوم به الاحتجاج تا قرن دهم، در میان علمای رجالی و تراجمی شیعه، ناشناخته و یا در دسترس نبوده است (نک: استادی، ۱۴۰۱ش (پ)، سراسر متن).

##### ۱-۴-۲. اولین ارجاعات به الاحتجاج

با جستجویی که در منابع شیعه امامیه صورت گرفت، اولین ارجاع به این کتاب مربوط

به حسن بن محمد دیلمی (قرن ۸) است که در ارشاد القلوب نوشته است (دیلمی، ۱۴۲۴ق، ۲: ۳۷۱). همچنین دو مورد حدیث با عنوان «ذَكَرَ أَبُو عَلِيٍّ الطَّبْرِسِيُّ» و نیز «وَمِنْ كِتَابِ الْإِحْتِجَاجِ الطَّبْرِسِيِّ» در کتاب مختصرالبصائر حسن بن سلیمان حلی (م بعد ۸۰۲ق) وجود دارد (نک: حلی، ۱۴۲۱ق، ۴۵۸ و ۴۷۸). همچنین، دو مورد حدیث با عنوان «قَالَ الطَّبْرِسِيُّ فِي إِحْتِجَاجِهِ» در کتاب الصراط المستقیم نباطی عاملی (م ۸۷۷ق) وجود دارد (نک: ۱۳۸۴ق، ۱: ۱۹۵؛ ۳: ۱۵۶).

#### ۲-۴. قدمت نسخه خطی الاحتجاج

کتاب الاحتجاج موجود و منسوب به ابومنصور طبرسی، کتابی پر نسخه است که تاکنون بیش از یکصد و هفتاد نسخه خطی از آن، با تاریخ‌های قرن هشتم تا چهاردهم معرفی شده است (نک: درایتی، ۱۳۹۱ش، ۲: ۱۱۸). البته، بیشتر نسخه‌های خطی کتاب، متأخر و برای قرن‌های جدید هستند. به عبارت دیگر، کتاب الاحتجاج از قرن ششم و هفتم نسخه‌ای ندارد و از قرن هشتم، تنها یک نسخه و از قرن نهم، سه نسخه و از قرن دهم، چهار نسخه و مابقی نسخه‌ها همگی متعلق به قرن یازدهم به بعد هستند که تبارشناسی نسخه‌ها، همگی به یکی دو نسخه برمی‌گردند.

کهن‌ترین نسخه شناسایی شده احتجاج، متعلق به قرن هشتم با تاریخ ۷۳۶ قمری می‌باشد. کاتب آن، علی بن ابراهیم بن معلی، که تاریخ کتابت را یکشنبه ۱۸ ذی الحجه ۷۳۶ق درج نموده است. یادداشتی نیز از ابراهیم بن جمعه بن ابراهیم الحائری (یا بخاری) به سال ۷۷۴ق وجود دارد و نسخه به سال ۹۱۴ق، در تملک عبدالحسین بن سلطان حسینی موسوی مدنی حلی بوده است (نک: طبرسی، ۷۳۶ق، ۵۱۶).

#### ۳-۴. سند کلی کتاب و اسناد روایات و توقیعات مفید

کتاب الاحتجاج کنونی، سند ابتدایی و کلی در آغاز نسخه خطی (همانند برخی از کتب حدیثی دیگر مثل کتاب منسوب به سلیم و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) که اسناد ابتدایی دارند) ندارد. اکنون با توجه به تاریخ ۷۳۶ق برای کهن‌ترین نسخه خطی و نیز تاریخ قرن ششم که زمان تألیف و حیات مؤلف مجهول کتاب است، مشخص نیست که این فاصله دو بیست ساله نسخه تا زمان مؤلف، چگونه کتاب دست به دست شده است. بنابراین، کتاب الاحتجاج، از نظر محتوای کلی و نسخه خطی، به نوعی «وجاده» غیر مذکور، محسوب می‌گردد و ارسال طویل نسخه‌ای دارد.

همچنین، روایات این کتاب، جز در برخی موارد، همگی مرسل هستند. نویسنده در مقدمه کتاب می‌نویسد: «من بجز روایات تفسیر امام عسکری، بقیه روایات کتاب را بدون سند آورده‌ام؛ زیرا یا اجماع بر آن‌ها هست یا موافق عقل‌اند یا در کتب مخالف و موافق مشهورند؛ و روایات تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) را با ذکر سند در ابتدای آن‌ها آوردم، چرا که از حیث شهرت، مانند بقیه روایات کتاب نیستند» (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۹-۱۰).

با این‌که مؤلف کتاب، تصریح به بی‌سندی بیشتر روایات کتاب نموده است، اما با دقت در متن کتاب، خواهیم دید که روایات و احادیث موجود در آن، از نظر سندی، سه دسته هستند: ۱- روایاتی که اسناد حدیثی کامل دارند؛ یعنی، جدای از حدود چهل روایت تقریباً بلند مأخوذ از تفسیر عسکری، که همگی یک سند دارند، روایت «احتجاج یوم الغدير» نیز، سند کامل دارد که از مهدی المرعشی، یعنی همان راوی تفسیر عسکری می‌باشد (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۵۵). ۲- روایاتی که اسناد آن به صورت ناقص و در حد دو سه راوی آن، نقل شده‌اند. ۳- روایات و مطالبی که بدون هیچ سندی، درج شده‌اند؛ همانند همین توقیعات شیخ مفید. بنابراین، اسناد روایات کتاب الاحتجاج را می‌توان در سه دسته معرفی نمود:

#### ۴-۳-۱. اسناد کامل در برخی روایات الاحتجاج

در نسخه‌های متعدد کتابی که الاحتجاج طبرسی خوانده می‌شود، سند زیر، برای روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) در اوایل آن آمده است: «حَدَّثَنِي بِهِ مَهْدِيُّ بْنُ أَبِي حَرْبٍ الْحُسَيْنِيُّ الْمُرْعَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الدُّوزِيسْتِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسَّرُ قَالَ حَدَّثَنِي يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ وَكَانَا مِنَ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ (ع) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ ...» (به عنوان نمونه نک: صفحه ۵ نسخه خطی کتابخانه حوزه علمیه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق؛ نیز: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۱۵).

#### ۴-۳-۲. اسناد ناقص در برخی روایات الاحتجاج

منظور از روایات با سند ناقص، احادیث و روایاتی هستند که بخشی از اسناد حدیث برای آن‌ها ذکر شده است، ولی این اسناد، تمام و کامل نیستند؛ یعنی مثلاً ارتباط راویان آن‌ها از قرن دوم تا قرن ششم، ذکر نشده است؛ همانند: «رَوَى عَمْرُو بْنُ شِمْرِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (ع)» (نک: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۱۳۴).

#### ۴-۳-۳. روایات و احادیث کاملاً بی سند

روایات بی سند، منظور روایات و احادیثی هستند که یا اساساً ناقل آن‌ها مجهول است (به عنوان نمونه: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۶۹) و یا این که فقط ناقل اصلی در آن‌ها ذکر شده است. همانند: «عن ابن عباس» (به عنوان نمونه: همان، ۱: ۴۸).

این روایات و احادیث، حجم زیادی از مطالب کتاب الاحتجاج را شامل می‌شوند؛ که به عکس ادعای مؤلف آن در ابتدای کتاب، همگی جزء روایات مشهور و موجود در منابع حدیثی نیستند و بسیاری از آن‌ها جزء متفردات از احادیث هستند. به عنوان نمونه، همین توقیعات منسوب به شیخ مفید که سابقه آن، خواهد آمد.

#### ۴-۳-۴. نکته احتمالی

با توجه به درهم و ناهمسان بودن وضعیت اسناد و مشوش بودن آن‌ها در کتاب الاحتجاج، بعید نیست که روایات و احادیث کتاب، در زمان تألیف، همگی دارای اسناد بوده‌اند و به دلایلی همانند: جلوگیری از تشخیص مذهب راویان متأخر، توسط نسخه‌برداران بعدی کتاب، از متن آن حذف شده باشند و توجیهی جهت این دستبرد و تحریف، در ابتدای متن کتاب و برای نبود این اسناد، نوشته و افزوده شده باشد.

#### ۴-۴. سابقه توقیعات مفید در منابع

با جستجوی در منابع شیعی، توقیعات منسوب به شیخ مفید را در دو حالت می‌توان پیگیری کرد:

#### ۴-۴-۱. قدیمی‌ترین نقل ناقص توقیع

توقیعات شیخ مفید موجود در کتاب الاحتجاج، مورد توجه مؤلفان شیعه تا قرن یازدهم هجری برای تألیف آثارشان، نبوده است به طوری که حتی بریده‌ها و بخش‌هایی از این توقیعات نیز، در منابع متقدم و میانی شیعه یافت نشد؛ مگر یک یادکرد از این توقیعات، که آن هم از کتاب الاحتجاج منسوب به طبرسی نیست.

قدیمی‌ترین منبع و تنها منبعی که بخش کوتاه و ترکیبی از توقیعات منسوب به شیخ مفید را ذکر نموده است؛ کتاب الخرائج و الجرائح قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق) است و این در صورتی است که این ذکر، جزء حواشی و اضافات کتاب خرائج نباشد. راوندی از شاگردان فضل‌بن حسن طبرسی و محمدبن حسن طوسی (پدر خواجه نصیرالدین طوسی)

است. وی، حدود هفت خط از توقیعات منسوب به شیخ مفید را به این صورت و در یک جا، آورده است: سه خط از توقیع اول، بعلاوه یک خط دیگر از بخش دیگری از توقیع اول و نیز در ادامه، دو خط از بخشی از توقیع دیگر منسوب به شیخ مفید. متن توقیعات در خرائج راوندی عبارت است از:

«[از توقیع اول] وَقَدْ كَتَبَ إِلَى الشَّيْخِ الْمُفِيدِ نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي أَرَانَاهُ اللَّهُ لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِشِبَعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ [؟] وَإِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ السَّادُوءُ وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ [؟] [از توقیع دوم] [؟] وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا فَمَا يُحْبَسُ عَنْهُمْ مُشَاهَدَتُنَا إِلَّا لِمَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ. [؟]» (نک: راوندی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۹۰۲).

با توجه به این که یادکرد فوق، به نقل از کتاب الاحتجاج منسوب به طبرسی نیست و قطب راوندی، اساساً مطلبی از آن ذکر نکرده و کتاب وی، ظاهراً متقدم از الاحتجاج منسوب به طبرسی است؛ این وضعیت نشان می‌دهد که توقیعات منسوب به شیخ مفید، در منابعی از قرن ششم، وجود داشته است ولی چگونگی و وضعیت متن کامل آن و محتوای دقیقش در آن دوره، مشخص نیست. البته این در صورتی است که همان‌گونه که اشاره شد، این یادکرد بریده توقیعات در کتاب الخرائج و الجرائح، اصیل باشد و از اضافات حاشیه‌ای کتاب، در قرن‌های بعدی نباشد.

همچنین برخی آثار متأخر، همانند لؤلؤة البحرین بحرانی (نک: بی‌تا، ۳۶۷)، نوشته‌اند که ابن البطریق حلی (م ۶۰۰ق)، رساله‌ای با نام «کتاب نهج العلوم إلى نفی المعدوم المعروف بسؤال أهل حلب» داشته و ظاهراً به مناسبتی، توقیعات منسوب به حضرت حجت برای شیخ مفید را اشاره یا نقل نموده است.

اکنون رساله «سؤال از اهل حلب» در دسترس نیست، تا بتوان قضاوت درست و دقیقی پیرامون این مسأله داشت، اما به نظر می‌رسد که در قرن ششم، این توقیعات چه منسوب به شیخ مفید و چه بدون انتساب به وی، وجود داشته است و برخی منابع به آن اشاره و یا آن را نقل نموده‌اند.

#### ۴-۲. قدیمی‌ترین نقل کامل توقیعات

گفتیم که توقیعات شیخ مفید، مورد توجه مؤلفان، مخصوصاً مؤلفان شیعه امامیه نبوده است و اولین منابعی که این توقیعات را تقریباً به صورت کامل از کتاب الاحتجاج ذکر

نموده‌اند، آثاری مربوط به قرن یازده و دوازده هجری، همانند نوادر الاخبار فیض کاشانی و بحارالانوار مجلسی هستند (نک: فیض کاشانی، ۱۳۷۲ش، ۱: ۲۴۱؛ مجلسی، بی‌تا، ۵۳: ۱۷۴).

### ۵. ابهامات توقیعات منسوب به شیخ مفید

جدای از مباحث سندی، باید توجه داشت که نسخه چاپی کتاب الاحتجاج، بر اساس نسخ کهن آن، تصحیح نشده‌اند. مثلاً برخی از کلمات و عبارات متن چاپی این کتاب، متفاوت از نسخه کهنه اردکان است (نک: طبرسی، ۷۳۶ق، سراسر متن) که این تفاوت‌های هرچند اندک، سرنخ‌های خوبی برای فهم متن توقیعات در اختیار ما قرار خواهند داد؛ به عنوان نمونه، در نسخه کهن، عبارت «وَلَا تُطَهَّرُ عَلَيَّ خَطَّنَا الَّذِي سَطَّرْنَا» آمده است (نک: طبرسی، ۷۳۶ق، ۵۱۴) و در نسخه چاپی، عبارت «وَلَا تُظَهَّرُ عَلَيَّ خَطَّنَا الَّذِي سَطَّرْنَا» درج شده است (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۴۹۸). بنابراین، ابتدا لازم است تصحیح مجددی بر اساس نسخ کهن الاحتجاج، صورت گیرد تا حتی الامکان، متن مطمئن‌تری در اختیار پژوهش‌گران قرار داشته باشد.

اما در هر صورت، چه متن نسخه‌های کهن الاحتجاج را بخوانیم و چه متن چاپی آن بر اساس نسخه‌های متأخر، متن توقیعات منسوب به شیخ مفید، ابهامات متعددی دارند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

### ۱-۵. مبهم بودن متن توقیعات

مفهوم و معنای متن توقیعات منسوب به شیخ مفید، با توجه به این‌که آن را از امام عصر (ع) و شیخ مفید بدانیم، بسیار گنگ و مبهم هستند؛ به گونه‌ای که حتی مترجمان این توقیعات نیز نتوانسته‌اند مراد متن اصلی نامه‌ها را به درستی بفهمند (به عنوان نمونه نک: طبرسی، بی‌تا، ۴: ۳۴۶)؛ به این معنی که جدای از صدر و ذیل نامه، بدنه اصلی نامه و مخصوصاً بسیاری از واژه‌های به کار رفته در آن، نامأنوس، نامفهوم و گنگ هستند؛ توگویی، متنی رمز آلود و معما گونه می‌باشند (نک: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۴۹۹).

### ۲-۵. ابهامات توضیح قبل از نامه

در دو توقیع منسوب به شیخ مفید، دو جمله پیش از «بسم الله» نامه آمده است؛ که در هر دو، مشکلاتی به چشم می‌خورد.

## ۵-۲-۱. ابهام در قدس الله روحه و نور ضریحه

در تیتیر توقیع اول، آمده است: «... عَلَى الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانَ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ نَوَّرَ ضَرِيحَهُ» و پس از آن، و پیش از بسم الله شروع نامه آمده است: «... الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانَ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّهٗ...».

اگر متن قبل از بسم الله، جزء نامه نباشد (که قاعدتاً این طور است)؛ چند حالت در این جا متصور است: ۱. تیتیر متن توقیع و مطلب قبل از بسم الله، هر دو از کاتب نسخه هستند و جزء اضافات متن کتاب الاحتجاج محسوب می‌شوند. ۲. تیتیر متن توقیع از کاتب نسخه است و مطلب قبل از بسم الله، از مؤلف الاحتجاج است. ۳. تیتیر متن توقیع و مطلب قبل از بسم الله، هر دو از مؤلف الاحتجاج هستند.

در حالت اول و سوم، تناقض میان ذکر «قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ نَوَّرَ ضَرِيحَهُ» و «أَدَامَ اللَّهُ عَزَّهٗ» به وجود خواهد آمد. در حالت دوم، این گونه است که کاتب نسخه، که نسخه را به تاریخ ۷۳۶ق نگاشته، برای شیخ مفید که زنده نیست، دعای «درگذشت» نموده است. از سوی دیگر، مؤلف کتاب، برای شیخ مفید که زنده است، دعای «زندگی» نموده است. در صورتی که تألیف الاحتجاج با توجه اسناد تفسیر عسکری و شرح حال راوی کتاب، یعنی مهدی مرعشی، پس از ۵۳۹ قمری می‌باشد (نک: استادی، ۱۴۰۰ش (ب)، ۹۶)؛ و این تاریخ تألیف، با زمان حیات شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، هماهنگ نیست.

بنابراین، در هر سه حالت بالا، تناقض در متن کتاب به چشم می‌خورد مگر این که متن پیش از بسم الله در توقیع را، جزء توقیع محسوب نماییم که آن نیز، با وجود درج «بسم الله» در توقیع، هماهنگ نیست.

## ۵-۲-۲. عبدالله المرابط

در توقیع چهارم، یا به نوعی توقیع دوم، پیش از بسم الله، آمده است: «مِنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِهِ إِلَىٰ مُلْهِمِ الْحَقِّ وَ دَلِيلِهِ». این جمله را برخی این گونه قلمداد کرده‌اند: «من عبدالله، المرابط في...» یعنی عبدالله را اسم، و المرابط را وصف وی گرفته‌اند (طبرسی، ۱۳۸۱ش، ۲: ۶۵۳). همچنین، شاید عبدالله المرابط، اسم شخصی باشد که البته شخصی به این نامه یافت نشد؛ هر چند شاید این نام، تصحیف یافته باشد و مثلاً «ابی عبدالله بن المرابط» متوفی ۴۸۵ق باشد؛ که چنین شخصی شناخته شده است: «ابن المرابط محمد بن خلف بن سعید بن وهب، أبو عبدالله ابن المرابط: قاضي المریة (بالأندلس) ومفتيها وعالمها. من آثاره: كتاب كبير في شرح الجامع الصحيح للبخاري،

تعليقة على المدونة في الفقه، والوصول إلى الغرض المطلوب من جواهر قوت القلوب» (نک: زرکلی، ۱۹۸۰م، ۶: ۱۱۵؛ کحاله، بی تا، ۹: ۲۸۴).

بنابراین در این توقیع، لازم است تکلیف ابن «عبدالله» روشن شود که، آیا راوی توقیع، یا رابط و نامه‌بر است؟ یا نویسنده نامه یا مؤلف اثری که توقیع از آن اخذ شده است؟

#### ۶. دلایلی که نشان می‌دهد توقیعات برای شیخ مفید نیست

جدای از این که، اساساً متن توقیعات منسوب به شیخ مفید با ترجمه زندگی، موقعیت و توصیفات شخصیتی و اجتماعی شیخ مفید (م ۴۱۳ق) هماهنگ نیست؛ می‌توان دلایلی را بیان کرد که نشان می‌دهند توقیعات موجود در کتاب الاحتجاج، برای شیخ مفید نیستند؛ برخی از آن دلایل عبارتند از:

#### ۱-۶. اعتبار سندی توقیعات به شیخ مفید، مخدوش هستند

توقیعات منسوب به شیخ مفید، جدای از این که هیچ‌گونه سند روایی و اتصالی ندارند، خبر واحد مرسل هستند. به عبارت دیگر، هم افراد متعددی آن را نقل نکرده‌اند و هم این نقلی که از آن‌ها وجود دارد، واسطه نقلش از قرن پنجم تا قرن ششم، یعنی بیش از صد سال، مشخص و روشن نیست. به عبارت دیگر، سند توقیعات منسوب به شیخ مفید این‌گونه هستند: مجهولی (صاحب کتاب الاحتجاج) از مجهولی (راوی توقیع) مطلبی تحت عنوان نامه نقل نموده است؛ که آن نامه‌ها، با فاصله صد سال، در نسخه‌ای یافت می‌شود.

#### ۲-۶. توقیعات منسوب به شیخ مفید در آثار بسیار او نیامده است

تألیفات شیخ مفید بر اساس فهرست نجاشی ۱۷۶ کتاب و رساله، در چندین رشته علمی هستند (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۹۹-۴۰۲) که مجموعه آثار موجود شیخ مفید در مجموعه‌ای چهارده جلدی با عنوان مُصَنَّفَات شیخ مفید در سال ۱۳۷۱ش، توسط کنگره جهانی شیخ مفید منتشر شد. این کتاب‌ها، رسائل و آثار شیخ مفید را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

#### ۱-۲-۶. آثار غیر مرتبط شیخ مفید با مسأله غیبت و مهدویت

این آثار، شامل کتب و رسائل با رویکرد فقهی و اصولی شیخ مفید می‌شوند و عبارتند



از: «أحكام النساء»، «الإشراف»، «الأعلام»، «تحريم ذبائح أهل الكتاب»، «التذكرة»، «خلاصة الأيجاز»، «الرد على أصحاب العدد»، «رسالة في المهر»، «المتعة»، «مختصر التذكرة»، «المزار»، «المسائل الصاغانية»، «المسائل الطوسية»، «مسائل العويص»، «المسح على الرجلين»، «المقنعة»، «النكت في مقدمات الأصول». در كل این آثار، هیچ نام و نشانی از متن توقیعات در الاحتجاج یا اشاره به آن‌ها، یافت نشد.

### ۲-۲-۶. آثار مرتبط شیخ مفید با مسأله غیبت و مهدویت

آثار مرتبط شیخ مفید با این مطالب توقیعات، شامل بیشتر آثار شیخ مفید خواهد شد چراکه اغلب آثار وی، کلامی و تاریخی هستند و اکثراً به بحث امامت و تاریخ امامت و مسائل پیرامون آن پرداخته‌اند که عبارتند از: «الإفصاح في إمامة»، «أقسام المولى»، «الأمالي»، «أوائل المقالات»، «إيمان أبي طالب»، «تزيوج على بنته من عمر»، «تفضيل أمير المؤمنين»، «الجمال»، «الحكايات»، «نحن معاشر الأنبياء»، «حول خبر مارية»، «في معنى المولى»، «في الامامه وذكر اغلاط العامه»، «شرح المنام»، «عدم سهو النبي»، «الفصول العشرة»، «مسائل الشيعة»، «مسألة في الإرادة»، «مسألان في النص على علي»، «المسائل الجارودية»، «المسائل السروية»، «المسائل العكبرية». در كل این آثار نیز، هیچ نام و نشانی از متن توقیعات در الاحتجاج یا اشاره به آن‌ها، یافت نشد.

### ۳-۲-۶. آثار شیخ مفید پیرامون مهدویت و غیبت

شیخ مفید جدای از اشارات و مطالب متفرقه‌ای که در آثار خود پیرامون غیبت و مهدویت دارد، چند اثر اختصاصی نیز در این موضوعات، نوشته است که تمام اثر و یا بخشی از اثر، به مسأله غیبت و مهدویت پرداخته است.

۱- الإرشاد: در باب دوازدهم کتاب، شیخ مفید به تاریخ میلاد و دلایل امامت و بخشی از اخبار غیبت و آئین حضرت مهدی (ع) در هنگام ظهور و مدت دولت الهیه او، معجزات و خوارق عادات آن حضرت، و نیز علائم و مدت ایام ظهور و بیانی از سیرت و طریقه فرمانروائی و برخی از اموری که در هنگام دولت ایشان پیدا می‌شود، پرداخته است. در این اثر نیز، هیچ نام و نشانی از متن توقیعات در الاحتجاج یا اشاره به آن‌ها یافت نشد با این‌که موقعیت‌های متعددی در فصل دوازدهم کتاب وجود داشت که شیخ مفید

می‌توانست به وجود توقیعات امام عصر (ع) برای خود، اشاره نماید.

۲- رسائل في الغيبة: شیخ مفید در این رسائل که به صورت پرسش و پاسخ مطرح شده‌اند، به مسائلی نظیر وجود امام زمان (عج)، دلیل غیبت و ظهور امام پرداخته است. این چهار رساله، عبارتند از: الرسالة الاولى؛ آیا حدیث «مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» درست است؟ الرسالة الثانية؛ با توجه به اختلافی که درباره امام زمان (عج) هست، چه دلیلی بر وجود او دارید؟ الرسالة الثالثة؛ اگر روایت ۳۱۳ یاری کننده برای امام زمان (عج) صحیح است، چرا امام ظهور نمی‌کند؟ الرسالة الرابعة؛ علت غیبت چیست؟ (نک: مفید، اربع رسالات، سراسر متن).

در این رسائل نیز، هیچ نام و نشانی از متن توقیعات در الاحتجاج یا اشاره به آن‌ها یافت نشد؛ با این‌که مثلاً شیخ مفید می‌توانست در فصلی که دلایل وجود امام زمان (ع) را بیان می‌کند (نک: مفید، اربع رسالات، مقاله دوم)، به این توقیعات از ناحیه مقدسه برای خود، اشاره و استدلال نماید.

۳- المسائل العشر في الغيبة: کتابی است که در جواب به شبهاتی درباره وجود امام زمان (عج) مطرح بوده، در ده فصل نگارش یافته و جامع‌ترین اثر شیخ مفید در موضوع غیبت و مهدویت است.

در این اثر نیز، هیچ نام و نشانی از متن توقیعات در الاحتجاج یا اشاره به آن‌ها، یافت نشد، با این‌که مطالب و استدلال‌های فصل‌هایی از این کتاب، همانند فصل دو، پنج، هفت و نه، به گونه‌ای است که اگر شیخ مفید، مفتخر به توقیعاتی از ناحیه امام عصر (ع) شده بودند، از این توقیعات در مطالب و استدلال‌های این فصول بهره می‌بردند.

به عنوان نمونه در فصل پنجم کتاب، در آن‌جایی که استدلال به ارتباط «اشخاص فراوان که دارای اعتبار هستند و بعضی آنان را علمای عامه هم قبول دارند و همگی از بغداد، همدان، اصفهان، قم، ری، مرو، نیشابور و اهواز، به محضر آن حضرت شرفیاب شده‌اند» (نک: مفید، الفصول العشرة، ۷۹) می‌نمود، استفاده می‌کرد.

#### ۴-۲-۶. آثار منسوب به شیخ مفید

آثار منسوب به شیخ مفید، شامل آثاری است که یا بازسازی شده هستند و یا نوشته او نیستند و یا این‌که نسبت آن کتاب‌ها به ایشان، مخدوش و مورد ابهام قرار گرفته است. یعنی؛ ۱- الفصول المختارة: مؤلف سید مرتضی و استفاده شده از آثار شیخ مفید. ۲- الکافئة:

بازسازی شده برای شیخ مفید. ۳- النکت الاعتقادیة: مؤلف ناشناخته؛ انتساب مخدوش به شیخ مفید. ۴- الاختصاص: مؤلف ناشناخته؛ انتساب مخدوش به شیخ مفید. ۵- تصحیح الاعتقاد.

در کل این آثار نیز، هیچ نام و نشانی از متن توقیعات در الاحتجاج یا اشاره به آن‌ها یافت نشد.

## ۵-۲-۶. پاسخ دو اشکال مقدر

۱- شاید اشکال شود که چون تاریخ توقیعات شیخ مفید در کتاب الاحتجاج، برای اواخر عمر شیخ مفید است؛ بنابراین استبعادی ندارد که این توقیعات در آثار شیخ مفید درج نگردد.

در پاسخ می‌توان گفت که حتی اگر بیشتر آثار شیخ مفید را قبل از تاریخ ۴۱۰ و ۴۱۲ قمری بدانیم، برخی از آثار مهم شیخ مفید در غیبت، هماهنگ با تاریخ توقیعات و یا حتی پس از آن است. به عنوان نمونه، تاریخ تألیف کتاب المسائل العشر فی الغیبة و کتاب الارشاد، پس از تاریخ یکی از توقیعات شیخ مفید در کتاب الاحتجاج، یا حداقل هم‌زمان آن‌ها است.

در کتاب المسائل العشر، در ابتدا و انتهای فصل السادس آمده است: «... إلی وَ قَتْنَا هَذَا وَ هُوَ سَنَةُ عَشْرَةِ وَأَرْبَعِمِائَةٍ» (مفید، الفُصُولُ العَشْرَةُ، ۴۷) و نیز: «... وَ إلی یَوْمِنَا هَذَا وَ هُوَ سَنَةُ اِحْدَ عَشْرَةِ وَأَرْبَعِمِائَةٍ» (همان، ۹۱). البته این اختلاف تاریخ، یا به جهت افتادگی در «احد» در «سنة عشر و اربعمائة» و یا این‌که تاریخ شروع تألیف و پایان آن را در بر می‌گیرد.

همچنین، در ابتدای کتاب الارشاد، قبل از آغاز مطالب کتاب، آمده است: «حَدَّثَنِي الشَّيْخُ السَّعِيدُ المُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ النُّعْمَانِ فِي سَنَةِ اِحْدَى عَشْرَةَ وَأَرْبَعِمِائَةَ قَالَ...» (مفید، الارشاد، ۱: ۳).

۲. شاید اشکال شود که در توقیعات شیخ مفید، دستور به مخفی نگاه داشتن توقیعات، آمده است (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۳۲۳ و ۳۲۵). پس شیخ مفید مجبور بوده است تا توقیعات را از دسترس مردم دور نگه دارد، بنابراین نمی‌توانسته در آثار خود منتشر نماید و یا در اختیار شاگردان خود قرار دهد تا آن‌ها آن را در آثارشان بیاورند.

این اشکال در صورتی قابل قبول است که اکنون نیز این توقیعات در دسترس مردم و همگان نبود و در کتاب الاحتجاج منتشر نمی‌گشت. اگر گفته شود که این توقیعات،

قرن‌ها بعد فاش شده‌اند و اساساً افشای آن، توسط شیخ مفید انجام نشده است، گفته می‌شود که اگر بعداً و توسط دیگران فاش شده‌اند، چگونه دانسته شده که این توقیعات مربوط به شیخ مفید هستند؟ زیرا که در متن توقیعات، به اسم شیخ مفید اشاره‌ای نشده تا به واسطه آن، دانسته شود که این توقیعات مربوط به چه شخصی است.

### ۶-۳. این توقیعات در آثار هم‌عصران و شاگردان شیخ مفید نیز نیامده‌اند

اما حتی اگر اشکال پیرامون آثار مفید را بپذیریم، برای رفع این اشکال و توجه بیشتر به مسأله، لازم است این توقیعات در آثار هم‌عصران و شاگردان شیخ مفید نیز، جستجو شوند. شیخ مفید هم‌عصران و شاگردان بسیاری داشته است؛ همانند: سید رضی (م ۴۰۶ق)؛ سید مرتضی (م ۴۳۶ق)؛ ابوالفتح کراچکی (م ۴۴۹ق)؛ نجاشی (م ۴۵۰ق)؛ شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)؛ سلار دیلمی (م ۴۶۳ق)؛ ابویعلی محمدبن حسن جعفری (م ۴۶۳ق) داماد و جانشین شیخ مفید.

آثار ایشان را می‌توان به دو دسته ۱- آثار غیر مرتبط با غیبت و مهدویت ۲- آثار پیرامون مهدویت و غیبت تقسیم نمود، که در کل این آثار، هیچ نام و نشانی از متن توقیعات در الاحتجاج یا اشاره به آن‌ها، یافت نشد.

با این‌که بسیاری از این آثار، به نوعی مرتبط با توقیعات شیخ مفید می‌باشند و حتی برخی از آن‌ها، کتاب‌هایی است که مستقیماً در مسأله غیبت و مهدویت نوشته شده‌اند همانند: ۱- «المقنع فی الغیبة، الشافی فی الإمامة» و «رسالة فی غیبة الحجّة»، از آثار سید مرتضی، که تمام یا بخشی از آن‌ها، درباره امام زمان و مسأله غیبت هستند. ۲- رساله «البرهان علی صحة طول عمر الامام صاحب الزمان» که بخشی از کتاب کنزالفوائد اثر محمدبن علی کراچکی، در موضوع غیبت امام زمان (ع) است. ۳- «کتاب الغیبة» اثر شیخ طوسی که در هشت فصل، تنظیم شده و درباره غیبت امام دوازدهم شیعیان است و حتی در فصل چهارم کتاب یعنی «ما ظهر من جهة من التوقیعات علی یدی سفرانه»، بخشی را به بعضی از توقیعاتی که از جانب امام عصر (ع) رسیده، اختصاص داده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۸۱).

در کل این آثار نیز، هیچ نام و نشانی از متن توقیعات شیخ مفید منقول در کتاب الاحتجاج یا جدای از آن، یافت نشد. هرچند که برخی از آثار غیبت از آن دوران نیز، همانند «المسألة فی مولد صاحب الزمان» اثر ابویعلی محمد جعفری در دسترس نیستند تا بررسی شوند.

#### ۴-۶. توقیعات مفید، در آثار غیبت تا قرن یازدهم وجود ندارد

بررسی منابع غیبت قرن پنجم، پیش‌تر گذشت و از تکرار آن خودداری می‌کنیم. اما بررسی وجود توقیعات منسوب به شیخ مفید در منابع غیبت قرن ششم تا حداقل قرن یازدهم قمری، نشان می‌دهد که این توقیعات در این آثار نیز وجود ندارند و همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، اولین منابعی که این توقیعات را ذکر نموده‌اند، کتاب‌های نوادراخبار فیض کاشانی و بحارالانوار مجلسی، از قرن یازدهم و دوازدهم قمری هستند. نبودن توقیعات منسوب به شیخ مفید، با توجه به جایگاه و اهمیت او، نشان از آن دارد که یا این توقیعات در منابع شیعی وجود نداشته است و در دسترس علماء امامیه نبوده است و یا اگر در برخی منابع وجود داشته، علماء امامیه آن را موضوع و غیر مرتبط با مسأله امام زمان (ع) می‌دانستند.

#### ۷. دلایلی که نشان می‌دهد توقیعات از امام عصر نیست

توقیعات منسوب به شیخ مفید در الاحتجاج، دو جنبه انتسابی دارند؛ یکی انتساب به شیخ مفید، که بررسی آن گذشت؛ دیگری انتساب این توقیعات به امام زمان (ع). به عبارت دیگر، ممکن است کسی بگوید، قبول که این توقیعات در ارتباط با شیخ مفید نیست، اما توقیعاتی از امام زمان (ع) می‌باشد، که برای شخصیتی که اکنون نمی‌شناسیم، صادر شده است. بنابراین، لازم می‌نماید تا بررسی شود که آیا انتساب توقیعات به امام عصر (ع)، درست و موجه است یا خیر؟  
برخی از دلایلی که نشان می‌دهد این توقیعات منسوب به مفید، از امام عصر (ع) نیست:

#### ۷-۱. نفی توقیعات غیبت کبری، توسط آخرین توقیع غیبت صغری

شش روز قبل از درگذشت علی بن محمد سمري (چهارمین و آخرین نائب از نواب اربعه، ۳۲۶ - ۳۲۹ق) توقیعی از سوی امام دوازدهم (ع) صادر شد و ارتباط مستقیم بین نائبان و امام دوازدهم و دوره غیبت صغری پایان یافت و تأکید شد که هر کسی ادعای ارتباط با امام عصر (ع) بنماید، دروغ‌گو است (نک: طوسی، ۱۴۲۵ق، ۳۹۴؛ صدوق، ۱۳۶۳ش، ۲: ۵۱۶).

بنابراین، طبق این توقیع از انتهای غیبت صغری، می‌توانیم بگوییم که توقیعات منسوب به شیخ مفید، یا موضوع و جعلی هستند و یا این‌که اساساً، توقیعات از ناحیه مقدسه نیستند. به عبارت دیگر، حتی اگر این نامه‌ها مربوط به شیخ مفید باشند، از

سوی امام زمان (ع) برای ایشان صادر نشده‌اند و از طرف شخص دیگری برای شیخ مفید نوشته شده‌اند. هر چند که می‌توان در اعتبار توقیع آخر برای علی سمری، اشکال کرد (نک: جعفری، ۱۳۹۰ش، سراسر متن) که همان اشکالات و یا شبیه آن، برای توقیع منسوب به شیخ مفید نیز وارد است.

## ۷-۲. ساختار و چهارچوب متن

چهارچوب و ساختار متن دو توقیع اصلی منسوب به شیخ مفید این گونه است:

۱- شروع توقیع و سلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمَخْصُوصُ فِينَا بِالْيَقِينِ».

۲- خطبه حمد: «فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَنَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ».

۳- شروع مطلب نامه: «وَنُعَلِّمُكَ أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَكَ لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَ أَجْزَلَ مَثُوبَتِكَ عَلَيَّ نُطْقِكَ عَنَّا بِالصِّدْقِ أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمَكَاتِبَةِ وَ تَكْلِيفِكَ مَا تُؤَدِّيهِ عَنَّا...».

۴- پایان توقیع: «... وَ سَخَطْنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فُجَاءَةً حَيًّا لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَيَّ حَوْبَةٌ وَاللَّهُ يُلْهِمُكُمْ الرُّشْدَ وَيَلْطِفُ لَكُمْ فِي التَّوْفِيقِ بِرَحْمَتِهِ».

۵- تأییدیه توقیع: «هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْأَخُ الْوَلِيُّ وَالْمُخْلِصُ فِي وُدِّنَا الصَّفِيُّ وَ النَّاصِرُ لَنَا الْوَفِيُّ حَرَسَكَ اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ فَاحْتَفِظْ بِهِ وَلَا تَطْهَرْ عَلَيَّ خَطْنَا...».

۶- پایان تأییدیه: «وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ» (نک: استادی، ۱۴۰۰ش، ۱۴۳).

این ساختار، انحصار به این دو توقیع دارد و در دیگر توقیعات منسوب به امام زمان (ع) که در غیبت صغری صادر شده‌اند، وجود ندارد (نک: اکبرنژاد، ۱۴۲۷ق، سراسر متن). همین وضعیت، می‌تواند گویای این مطلب باشد که نویسنده توقیع، با توجه به توقیعات دیگر، امام عصر (ع) نیست.

## ۷-۳. ساختار شکلی و فیزیکی نامه، حکومتی است

با توجه به توقیعات منسوب به شیخ مفید در الاحتجاج، که ساختار شکلی نامه و تأییدیه متن دارند (پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد) و نیز ساختار متن، از «شروع، خطاب و دعای پسوند اشخاص» گرفته تا الفاظ به کار رفته و ترتیب نامه، به نظر می‌رسد که این توقیعات، نامه‌های «سلطانی» باشند به این معنی که، سبک نگارش نامه و شکل

آن، گویای منشآت نویسی، مکاتیب سلطانی و ترسل دیوانی است تا نامه‌های موسوم به «اخوانیات» که میان دوستان و افراد غیر سلطانی رد و بدل می‌گردد (نک: عارفی، ۱۳۹۴ش؛ رمضان، ۱۳۹۲ش، سراسر متن)

در این میان، شاهد بسیار گویای توقیعات بر عدم انتساب به امام مهدی (ع)، تأییدیه پس از نامه اصلی، یعنی «نُسْخَةُ التَّوْقِيعِ بِالْيَدِ الْعُلْيَا عَلَيَّ صَاحِبِهَا أَفْضَلُ السَّلَامِ...» است که در نامه‌نگاری میان امام زمان (ع) و شیخ مفید، نیازی به آن نبوده است. این سبک و ساختار نامه‌نگاری، در دیگر توقیعات منسوب به امام زمان (ع) در دوره غیبت صغری ملاحظه نمی‌گردد (برای دیدن توقیعات دیگر نک: اکبرنژاد، ۱۴۲۷ق، سراسر متن).

## ۸. نتیجه‌گیری

۱- توقیعات منسوب به شیخ مفید، از لحاظ شکلی دو حالت هستند: حالت اول این‌که، فرض کنیم متن نامه توسط یک شخص نگارش شده، سپس امضاء و تأییدیه نامه، توسط شخص دیگری انجام شده است. حالت دوم این‌که، هر کدام از متن «اصل نامه» و متن «تأییده» آن‌ها را یک توقیع در نظر بگیریم. در حالت اول، دو توقیع و دو تأییده و در حالت دوم، چهار توقیع، پیش‌روی ماست.

۲- توقیعات منسوب به شیخ مفید در احتجاج، تا قرن یازدهم هجری مورد توجه مؤلفان شیعه برای تألیف آثارشان نبوده است؛ به طوری که حتی بریده‌ها و بخش‌هایی از این توقیعات نیز، در منابع متقدم و میانی شیعه یافت نمی‌شود، مگر یک یادکرد جزئی از این توقیعات، که آن هم از کتاب الاحتجاج منسوب به طبرسی نیست. قدیمی‌ترین منبع و تنها منبعی که بخش کوتاه و ترکیبی از توقیعات منسوب به شیخ مفید را ذکر نموده است؛ کتاب الخرائج قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق) است و اولین منبعی که این توقیعات را به صورت کامل از کتاب الاحتجاج ذکر نموده‌اند، آثاری مربوط به قرن یازده و دوازده هجری هستند.

۳- جدای از مباحث سندی، باید توجه داشت که نسخه چاپی کتاب احتجاج، بر اساس نسخ کهن احتجاج، تصحیح نشده‌اند؛ اما چه متن نسخه‌های کهن الاحتجاج را بخوانیم و چه متن‌های چاپی این کتاب بر اساس نسخه‌های متأخر را بخوانیم، لازم است توجه کنیم که متن توقیعات منسوب به شیخ مفید، ابهامات متعددی، همانند گنگی متن توقیعات و ابهامات توضیحات قبل از نامه دارند.

۴- اساساً متن توقیعات منسوب به شیخ مفید، با ترجمه زندگی، موقعیت و توصیفات

اجتماعی شیخ مفید هماهنگ نیست و می‌توان دلایلی را بیان کرد که نشان می‌دهند توقیعات موجود در کتاب الاحتجاج، برای شیخ مفید نیستند. برخی از این دلایل عبارتند از: «اعتبار سندی توقیعات به شیخ مفید، مخدوش هستند»؛ «توقیعات منسوب به شیخ مفید در آثار بسیار او (چه آثار مرتبط با مسأله غیبت و مهدویت و چه غیر آن)، نیامده است»؛ «این توقیعات در آثار هم‌عصران و شاگردان شیخ مفید نیز، نیامده‌اند»؛ «توقیعات منسوب به شیخ مفید، حتی در آثار غیبت تا قرن یازدهم نیز وجود ندارند».

۵- توقیعات منسوب به شیخ مفید، دو جنبه انتسابی دارند؛ یکی انتساب به شیخ مفید، دیگری انتساب این توقیعات به امام زمان (ع). برخی از دلایل همانند: «نفی توقیعات غیبت کبری، توسط آخرین توقیع غیبت صغری»، «ساختار و چهارچوب متن»، «ساختار شکلی و فیزیکی نامه»، همگی نشان می‌دهند که اساساً این توقیعات، از امام عصر (ع) نیستند.

## منابع

- ابن طاووس، کشف المحجّة، نجف، الحیدریة، ۱۳۷۰ق.
- استادی، رضا. "بختی درباره تفسیر امام حسن العسکری (ع)". نور علم، ۱۳(۱۳۶۴): ۱۱۸-۱۳۶.
- استادی، کاظم. "بازشناسی نویسندگان توقیعات کتاب الاحتجاج، منسوب به امام عصر (عج) در عصر غیبت کبری". انتظار موعود ۲۱، ۷۳(۱۴۰۰): ۱۲۷-۱۵۷.
- \_\_\_\_\_ . "بازشناسایی مؤلف تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)". علوم قرآن و حدیث ۵۴، ۲(۱۴۰۱)(الف): ۹-۳۲. doi: 10.22067/jquran.2022.77657.1336
- \_\_\_\_\_ . "زندگی تاریخی مهدی مرعشی (راوی تفسیر امام حسن عسکری و بخشی از احتجاج طبرسی)". سخن تاریخ ۱۶، ۴۰(۱۴۰۱)(ب): ۹۶-۱۲۳. doi: 10.22034/skh.2021.11228.1223
- \_\_\_\_\_ . "ااکاوی وضعیت و شخصیت رجالی ابوجعفر الحسینی العلوی المرعشی، راوی اصلی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)". مطالعات تاریخی قرآن و حدیث ۲۸، ۷۴(۱۴۰۱)(پ): ۲۴۵-۲۷۵.
- اکبرنژاد، محمدتقی، موسوعة توقیعات الامام المهدی، قم، مسجد جمکران، ۱۴۲۷ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، لؤلؤة البحرين، قم، آل البيت (ع)، بی تا.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان، قصص العلماء، قم، حضور، ۱۳۸۰ش.
- توکلی زاده، سعید. "چالش‌های حجیت صدوری روایات و توقیعات ولّی عصر (علیه السلام) در دوره غیبت کبری". پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد ۴، ۷(۱۳۹۹): ۵۳-۸۰.
- تهرانی، آقازرگ، الذریعة، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- جباری، محمدرضا. "نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغری". انتظار موعود ۲، ۳(۱۳۸۱): ۱۴۰-۱۶۵.
- جعفری، جواد. "دیدار با امام عصر علیه السلام و توقیع علی بن محمد سمری". مشرق موعود ۵، ۱۷(۱۳۹۰): ۵۳-۸۰.
- حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، قم، الإسلامی، ۱۴۲۱ق.



- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال، بی‌جا، موسسه آیت‌الله خویی، ۱۴۱۳ق.
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، تهران، کتابخانه ملی، ۱۳۹۱ش.
- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، ارشاد القلوب، تهران، اسوه، ۱۴۲۴ق.
- راوندی، سعید بن عبدالله، الخرائج، قم، امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ق.
- رمضانی، علی. "پیشینه ترسل و نامه‌نگاری در ایران آغاز تا قرن ششم هجری". زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج) ۵، ۱۴(۱۳۹۲): ۱۰۷-۱۳۰. **doi: 20.1001.1.2008899.1392.5.14.5.4**
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام للزرکلی، بیروت، مل، ۱۹۸۰م.
- شبییری‌زنجانی، محمدجواد، دانشنامه بزرگ اسلامی (مدخل توفیق)، تهران، مرکز دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۳ش.
- شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
- صادقی، مصطفی. "نگاهی به کتاب احتجاج". سخن تاریخ ۱۰، ۲۴(۱۳۹۵): ۱۳۱-۱۵۱.
- صالحی، غلامرضا. "ماهیت‌شناسی توقیعات حضرت مهدی (ع)". فرهنگ کوثر، ۸۲(۱۳۸۹): ۹۴-۱۰۱.
- صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- طبرسی، أحمد، الاحتجاج، تحقیق: بهادری و هادی‌به، قم، اسوه، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، الاحتجاج، تعلیق محمدباقر الخراسان، نجف، النعمان، ۱۳۸۶ش.
- \_\_\_\_\_، ترجمه الاحتجاج، مترجم جعفری، تهران، الإسلامیه، ۱۳۸۱ش.
- \_\_\_\_\_، ترجمه الاحتجاج، مترجم غفاری، تهران، المرتضویه، بی‌تا.
- \_\_\_\_\_، نسخه خطی احتجاج، کتابخانه حوزه علمیه اردکان، شماره ۱۷۷، ۷۳۶ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تحقیق: عبادالله، قم، دارالمعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، الغیبه، تحقیق: عبادالله، قم، دارالمعارف الإسلامیه، ۱۴۲۵ق.
- عارفی، هادی. "بررسی جایگاه منشآت و منشآت‌نویسی در ایران تا پایان قرن هشتم هجری". تاریخ‌نسو، ۱۲(۱۳۹۴): ۱۶۵-۱۸۸.
- فیض‌کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، نوادر الأخبار، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ش.
- کحاله، عمررضا، معجم المؤلفین، بیروت، داراحیاء، بی‌تا.
- کریمیان، محمود. "واکاوی فتوایی منسوب به شیخ مفید". حدیث حوزه، ۹(۱۳۹۳): ۳۰-۴۱.
- گروه فرهنگی موعود، مجموعه‌ای از روایات و توقیعات حضرت مهدی، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۸ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، الوفاء، بی‌تا.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی (عج)، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۳ش.
- مفید، محمد بن محمد، اربع رسالات فی الغیبه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، الفصول العشرة فی الغیبه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- نباطی‌عاملی، علی بن محمد، الصراط المستقیم، مصحح بهبودی، تهران، المرتضویه، ۱۳۸۴ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم، اسلامی، ۱۴۰۷ق.